

دفاع عمل‌گرایانه از شاهزاده رضا پهلوی

در دل جنبش شیر و خورشید

از وفاداری شخصی تا ائتلاف ملی، نهادسازی، حقوق بشر و دیپلماسی گذار

مقاله‌ای از پیمان بخشایش

جراح تروما، MD, PhD, MBA

۲۰ مرداد ۱۴۰۵ | ۱۱ اوت ۲۰۲۶

«دفاع از یک رهبر گذار، زمانی دموکراتیک است که بیعت با شخص نباشد؛ بلکه پیمانی روشن، مشروط و قابل بازخواست با اصول آزادی، برابری، حاکمیت قانون و حق انتخاب ملت باشد.»

چکیده

جنبش شیر و خورشید، در این مقاله، نام یک سازمان واحد و بسته نیست؛ بلکه عنوانی برای یک میدان ملی و مدنی است که می‌خواهد ایران را از حاکمیت اسلام سیاسی به سوی حکومتی ملی، سکولار، دموکراتیک، قانون‌مدار و پاسخ‌گو هدایت کند. استدلال اصلی این نوشتار آن است که دفاع از شاهزاده رضا پهلوی نباید به صورت وفاداری بی‌چون‌وچرا به یک شخص، یک خانواده یا یک روایت معین از گذشته فهمیده شود. این دفاع، در صورت پایبندی به اصول دموکراتیک، پیش از هر چیز یک انتخاب عمل‌گرایانه برای ایجاد مرکز هماهنگی، کاهش پراکندگی اپوزیسیون، آماده‌سازی گذار و فراهم کردن امکان انتخاب آزاد ملت ایران است.

رضا پهلوی در مواضع اعلامی خود بر تمامیت ارضی ایران، آزادی‌های فردی و برابری شهروندان، جدایی دین از حکومت و حق ملت برای تعیین شکل نهایی نظام سیاسی تأکید کرده است. برنامه رسمی او همچنین از انتخابات آزاد، آزادی احزاب، حقوق زنان، حکومت قانون و روابط مسالمت‌آمیز با جهان سخن می‌گوید. این اصول می‌توانند «حداقل مشترک» ائتلافی فراگیر باشند؛ اما تنها زمانی اعتبار می‌یابند که در ساختار، رفتار، منابع مالی، شیوه انتخاب مدیران و تحمل نقد نیز بازتاب پیدا کنند.^{[۳][۴]}

بنابراین، جنبشی که می‌خواهد در جهان جدی گرفته شود باید هم‌زمان سه کار انجام دهد: از قربانیان و زندانیان دفاع کند؛ نهادهای شفاف، پاسخ‌گو و حرفه‌ای بسازد؛ و با احزاب، دولت‌ها، اندیشکده‌ها و رسانه‌های بین‌المللی به زبان حقوق بشر، منافع ملی و برنامه‌ریزی واقع‌بینانه سخن بگوید. مشروعیت آینده این جنبش نه با شعار، بلکه با توانایی آن در حفاظت از انسان‌ها، مهار خشونت، پذیرش تکثر و آماده‌سازی انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سنجیده خواهد شد.

یادداشت روش‌شناختی

این متن یک مقاله استدلالی و سیاسی است، نه گزارشی بی‌طرف. منابع رسمی رضا پهلوی برای ثبت دقیق برنامه‌ها و مواضع اعلامی او به کار رفته‌اند، نه برای اثبات میزان حمایت عمومی. برای سنجش حمایت و نقدهای موجود از داده‌های پیمایش و گزارش‌های مستقل نیز استفاده شده است. همچنین به علت قطع گسترده ارتباطات در ایران و دشواری راستی‌آزمایی در حکومت‌های اقتدارگرا، ارقام مربوط به اعتراضات دی ۱۴۰۴ و ژانویه ۲۰۲۶ باید با احتیاط خوانده شوند. گزارش‌های معتبر بر گستردگی اعتراضات، استفاده از نیروی مرگبار، بازداشت‌های وسیع و خطر صدور و اجرای احکام اعدام هم‌نظرند، اما درباره شمار دقیق قربانیان اختلاف جدی وجود دارد.^{[۹][۱۰][۱۱]}

برآورد این مقاله درباره وجود یک «پنجره دو تا سه‌ساله» برای تبدیل جنبش به قدرت سیاسی پایدار، تحلیل راهبردی نویسنده است و نه پیش‌بینی قطعی. همچنین، عبارت موجود در متن اولیه درباره توصیه مشخص «سناتور لوین» برای شناسایی دولت در تبعید در منابع معتبر قابل تأیید نبود؛ از این رو در نسخه نهایی از انتساب آن ادعا به شخص معین خودداری شده است.

۱. از مشروطه تا امروز: تداوم جست‌وجوی قانون و حاکمیت ملی

انقلاب مشروطه ایران در آغاز قرن بیستم، تلاشی تاریخی برای محدود کردن قدرت خودسر، تأسیس مجلس و قرار دادن حکومت در چارچوب قانون بود. مجلس و انتخابات، هرچند در آن دوره محدود و نابرابر بودند، برای نخستین بار به صورت نهادی به حاکمیت مردم و پاسخ‌گویی قدرت معنا دادند.^{[۱][۲]}

با این حال، نباید مشروطه را به‌سادگی با سکولاریسم کامل در معنای امروز یکی دانست. قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم ۱۹۰۷ حاصل ائتلاف و کشمکش نیروهای گوناگون بود و برای تشیع دوازده‌امامی جایگاه رسمی و نظارتی در نظر می‌گرفت. میراث ماندگار مشروطه، بیش از هر چیز، اصل تحدید قدرت، حاکمیت قانون، نمایندگی سیاسی و امکان نقد حکومت بود. خواست امروزی برای جدایی کامل دین از دولت، ادامه و تکامل همان پروژه قانون‌گرایی است، نه تکرار ساده و بی‌واسطه گذشته.^{[۱][۲]}

تجربه جمهوری اسلامی نشان داده است که وقتی یک قرائت دینی به منبع انحصاری مشروعیت دولت تبدیل شود، شهروندان بر اساس باور، جنسیت، سبک زندگی و نسبتشان با قدرت درجه‌بندی می‌شوند. گذار به سکولاردموکراسی، به معنای ستیز با دین یا حذف مؤمنان نیست؛ بلکه به معنای پایان دادن به امتیاز سیاسی یک مذهب و تضمین آزادی برابر برای مؤمن، نامؤمن و پیرو هر آیین است. چنین دولتی باید حافظ دین از اجبار سیاسی و حافظ سیاست از سلطه نهاد دینی باشد.

۲. جنبش شیر و خورشید: نماد ملی یا پروژه بازگشت به گذشته؟

شیر و خورشید برای بخش بزرگی از ایرانیان نماد تداوم تاریخی، هویت ملی و اعتراض به نمادهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است. اما اعتبار سیاسی این نماد تنها زمانی حفظ می‌شود که به ابزار حذف دیگر ایرانیان تبدیل نشود. جنبش شیر و خورشید، در تعریف آینده‌نگر، نباید «باشگاه هواداران یک سلسله» باشد؛ بلکه باید خانه مشترک همه کسانی باشد که به تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، سکولاریسم، برابری شهروندان و حق انتخاب آزاد باور دارند.

در مواضع رسمی رضا پهلوی، علاوه بر چهار اصل محوری، بر آزادی بیان و اطلاعات، آزادی اجتماعات و احزاب، حقوق زنان، آزادی باور و مذهب، مالکیت خصوصی، حفاظت از محیط زیست و روابط صلح‌آمیز با جهان بر پایه منافع ملی تأکید شده است. این مجموعه، در سطح اعلامی، تصویری فراتر از بازگشت سلطنت ارائه می‌کند و نقش او را به تسهیل‌گر گذار و مدافع حق انتخاب مردم پیوند می‌زند.^{[۳][۴]}

دفاع دموکراتیک از رضا پهلوی، دفاع از حق او برای «حاکم شدن بدون رأی» نیست؛ دفاع از امکان ایفای نقشی محدود، شفاف و قابل بازخواست در رساندن ایران به انتخابات آزاد است.

۳. دفاع از رضا پهلوی؛ آزمون عمل‌گرایی، نه آزمون بیعت

پرسش اصلی این نیست که چه کسی بیشترین احساس نوستالژیک را نسبت به خاندان پهلوی دارد. پرسش این است که چه آرایش سیاسی، با کمترین هزینه انسانی و بیشترین ظرفیت نهادی، می‌تواند جمهوری اسلامی را پشت سر بگذارد و ایران را به نظامی پاسخ‌گو برساند. دفاع عمل‌گرایانه از رضا پهلوی بر پنج ملاحظه استوار است: شناخته‌شدگی ملی و بین‌المللی؛ توانایی گردآوردن بخشی از نیروهای پراکنده؛ تأکید بر اصول حداقلی و نه تحمیل شکل نهایی حکومت؛ دسترسی به محافل سیاسی و رسانه‌ای؛ و تلاش برای ارائه برنامه‌های اقتصادی و نهادی برای دوران پس از جمهوری اسلامی. پروژه «شکوفایی ایران» نیز خود را به‌عنوان طرحی برای بازسازی حکمرانی، امنیت، اقتصاد و جامعه معرفی می‌کند.^{[۵][۶]}

اما عمل‌گرایی با شیفتگی تفاوت دارد. حمایت از یک رهبر گذار باید مشروط، زمان‌مند و قابل لغو باشد. هیچ فردی، حتی محبوب‌ترین فرد، نباید بالاتر از منشور گذار، نهادهای مستقل یا رأی ملت قرار گیرد. اگر دفاع از رضا پهلوی به منع نقد، توهین به مخالفان، تقدیس نام خانوادگی یا حذف جمهوری‌خواهان و چپ‌ها بینجامد، همان ظرفی را می‌شکند که قرار بود پلورالیسم را در خود جای دهد.

در نتیجه، وفاداری واقعی در این پروژه، وفاداری به شخص نیست؛ وفاداری به قواعد بازی دموکراتیک است: حکومت موقت محدود، مجلس مؤسسان منتخب، انتخابات آزاد، نظارت مستقل، رسانه آزاد، قوه قضاییه مستقل و امکان شکست سیاسی هر جریان در صندوق رأی. رهبر گذار زمانی موفق است که بتواند قدرت را از شخص به نهاد منتقل کند و پس از پایان مأموریت، نتیجه انتخاب مردم را بدون قیدوشرط بپذیرد.

۴. پلورالیسم سیاسی؛ ائتلاف بر سر روش، نه یکنواختی عقیده

ایران در چهار دهه گذشته فقط یک اپوزیسیون نداشته است. سوسیالیست‌ها از برابری و حقوق کارگران گفته‌اند؛ لیبرال‌ها از آزادی فردی و اقتصاد رقابتی؛ جنبش زنان از برابری جنسیتی و حق بر بدن؛ فعالان قومی و زبانی از رفع تبعیض؛ محیط‌زیستی‌ها از آب، خاک و آینده زیست‌بوم؛ جمهوری‌خواهان از حاکمیت انتخابی؛ مشروطه‌خواهان از تداوم ملی و پادشاهی پارلمانی؛ و دین‌باوران دموکرات از آزادی ایمان بدون حکومت دینی. هیچ ائتلافی لازم نیست این تفاوت‌ها را از میان ببرد.

آنچه می‌تواند نیروهای گوناگون را کنار هم قرار دهد، توافق بر «روش انتقال قدرت» است. یک منشور حداقلی برای گذار می‌تواند شامل این اصول باشد: تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران؛ برابری همه شهروندان؛ جدایی دین و دولت؛ آزادی احزاب، مطبوعات و اجتماعات؛ نفی شکنجه و مجازات جمعی؛ منع انتقام‌جویی؛ عدالت انتقالی بر پایه دادرسی عادلانه؛ و تعیین شکل نهایی حکومت از راه رأی آزاد مردم.

پارلمان‌تاریسم در این معنا یک ظرف است، نه یک ایدئولوژی واحد. چپ، راست، میانه، سبزها، فمینیست‌ها، لیبرال‌ها، محافظه‌کاران، جمهوری‌خواهان و مشروطه‌خواهان باید بتوانند درون آن رقابت کنند. همکاری در دوران گذار به معنای انحلال هویت حزبی نیست؛ به معنای تعویق اختلاف‌های غیرضروری تا زمانی است که صندوق رأی و قانون، داور اختلاف‌ها شوند.

رهبری رضا پهلوی نیز تنها در چنین چارچوبی می‌تواند ملی باشد: نه به‌عنوان رهبر یک جناح که همه را به پیوستن به همان جناح فرامی‌خواند، بلکه به‌عنوان نگهبان بی‌طرف قواعد گذار که حضور و امنیت رقیبان سیاسی خود را نیز تضمین می‌کند. این همان نقطه‌ای است که «پهلوی‌گرایی آینده‌گرا» از نوستالژی جدا می‌شود.

۵. پایگاه اجتماعی و مسئله مشروعیت: برجسته، اما نه همگانی

ادعای اینکه «همه مردم ایران» رضا پهلوی را پذیرفته‌اند، از نظر تجربی قابل دفاع نیست و به اعتبار جنبش آسیب می‌زند. پیمایش GAMAAN درباره ترجیحات سیاسی ایرانیان در سال ۲۰۲۴، او را محبوب‌ترین چهره منفرد اپوزیسیون گزارش کرد، اما میزان حمایت اعلام‌شده حدود یک‌سوم بود و میان استان‌ها و گروه‌های اجتماعی تفاوت قابل توجهی وجود داشت. پیمایش ژوئیه ۲۰۲۶ نیز پایگاه مثبت مهمی را نشان داد، اما هم‌زمان از وجود مخالفت پایدار و کاهش محدود ارزیابی مثبت خبر داد.^{[۸][۷]}

نظرسنجی در جامعه‌ای اقتدارگرا، با ترس، سانسور، قطع اینترنت و دسترسی نابرابر، دشوار است. گزارش‌های مستقل نیز بر برجستگی رضا پهلوی و در عین حال تداوم پراکندگی اپوزیسیون و دشواری سنجش دقیق حمایت داخلی تأکید کرده‌اند.^{[۹][۱۰]}

نتیجه عمل‌گرایانه این داده‌ها روشن است: رضا پهلوی را می‌توان یکی از مهم‌ترین و احتمالاً برجسته‌ترین چهره‌های منفرد اپوزیسیون دانست، اما این جایگاه به خودی خود معادل «وکالت همگانی» یا حق حکومت نیست. راه تبدیل محبوبیت به مشروعیت، ساختن نهادهای شفاف، انتشار معیارهای انتصاب، پذیرش نقد علنی، حضور واقعی زنان و اقوام و طبقات مختلف، و ایجاد کانال‌های امن برای مشارکت نیروهای داخل ایران است.

۶. پنجره راهبردی؛ فوریت بدون شتابزدگی

از دید نویسنده، جنبش ملی ایران ممکن است تنها یک بازه محدود، شاید دو تا سه سال، برای تبدیل انرژی اعتراضی و نمادین به ظرفیت سازمانی پایدار داشته باشد. این برآورد قطعی نیست، اما هشدار آن جدی است. جنبش‌هایی که نتوانند شبکه مالی، رهبری جمعی، برنامه انتقال قدرت و اعتماد اجتماعی بسازند، ممکن است با فرسایش، سرکوب، نفوذ، چندپارگی یا جایگزین شدن با جریان‌های جدید روبه‌رو شوند.

سه خطر باید هم‌زمان مهار شود: نخست، امید بستن به سکولارشدن تدریجی جناح‌هایی درون جمهوری اسلامی که شاید دهه‌ها زمان ببرد و همچنان ساختار ولایت فقیه را حفظ کند؛ دوم، فروپاشی بی‌برنامه و ورود ایران به چرخه بی‌ثباتی، انتقام و جنگ داخلی؛ و سوم، وابستگی سیاسی به قدرت‌های خارجی به‌گونه‌ای که استقلال تصمیم‌گیری ملی مخدوش شود.

فوریت به معنای خشونت‌طلبی یا زبان تهدید نیست. «سخن آتشین» در یک جنبش دموکراتیک باید به معنای شجاعت اخلاقی، صراحت در دفاع از قربانیان و دعوت پرشور به همبستگی باشد؛ نه تحریک به حمله، تحقیر مخالفان یا ایجاد هراس. هر جمله‌ای که از سوی فعالان گفته می‌شود باید بتواند در برابر خانواده قربانیان، یک دادگاه مستقل و افکار عمومی جهانی نیز دفاع شود.

۷. دی‌ماه ۱۴۰۴ و ژانویه ۲۰۲۶؛ بدهی اخلاقی جنبش به قربانیان

موج اعتراضات از ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵ آغاز شد و در روزهای نخست ژانویه ۲۰۲۶ به شهرهای متعدد گسترش یافت. گزارش رسمی اطلاعات کشوری دولت بریتانیا از اوج اعتراضات در ۸ ژانویه، قطع گسترده ارتباطات، استفاده از نیروی مرگبار، بازداشت‌های وسیع و برآوردهای بسیار متفاوت درباره تلفات سخن می‌گوید. سازمان ملل نیز خواستار پایان سرکوب، روشن شدن سرنوشت بازداشت‌شدگان و پاسخ‌گویی درباره نقض حقوق بشر

در ژوئیه ۲۰۲۶، کارشناسان سازمان ملل صدور حکم اعدام برای دوازده جوان مرتبط با اعتراضات ژانویه را محکوم کردند و خواستار لغو احکام و توقف اعدام‌ها شدند. این واقعیت نشان می‌دهد که مسئولیت جنبش با پایان خیابان تمام نمی‌شود؛ بلکه در زندان، بیمارستان، خانه خانواده‌های داغ‌دار و زندگی مجروحانی که با معلولیت و فقر رها شده‌اند ادامه می‌یابد.^[۱۴]

جنبشی که می‌خواهد آلترناتیو حکومت باشد، باید در سخت‌ترین زمان از هواداران و حتی از مخالفانی که حقوقشان نقض شده دفاع کند. از نگاه یک پزشک، اعتبار سیاسی با مراقبت آغاز می‌شود. شبکه‌ای حرفه‌ای می‌تواند این خدمات را سازمان دهد:

- ثبت محرمانه و راستی‌آزمایی‌شده مجروحان، جان‌باختگان، مفقودان و زندانیان، همراه با حفاظت جدی از داده‌ها و هویت خانواده‌ها.
- تأمین درمان فوری، جراحی، توان‌بخشی، پروتز و ارتز، درمان درد، حمایت روان‌شناختی و پیگیری طولانی‌مدت برای مصدومان و افراد دچار معلولیت.
- کمک‌هزینه شفاف و نیازمحور برای خانواده‌های بی‌سرپرست، زندانیان، پناهجویان در کشورهای همسایه و افرادی که پس از انتقال به اروپا با فقر و بی‌خانمانی روبه‌رو شده‌اند.
- تشکیل شبکه وکلای داوطلب، پزشکان مستندساز، مددکاران اجتماعی، مترجمان و کارشناسان پناهندگی برای دفاع هماهنگ از پرونده‌ها.
- ایجاد سازوکار مستقل شکایت و نظارت تا کمک‌ها بر اساس رابطه شخصی، گرایش حزبی یا میزان شهرت توزیع نشوند.

۸. جنبش «نه به اعدام» و دفاع از زندانیان سیاسی

مبارزه با اعدام نباید واکنشی موقت یا محدود به هواداران یک جناح باشد. حق حیات، دادرسی عادلانه، آزادی بیان، آزادی اجتماع و مشارکت سیاسی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده‌اند و ایران نیز از سال ۱۹۷۵ عضو این میثاق است.^{[۱۵][۱۶]}

کمپین مؤثر باید برای هر پرونده یک بسته مستند تهیه کند: نام و مشخصات قابل انتشار با رضایت خانواده، تاریخ بازداشت، اتهام، شعبه دادگاه، وضعیت دسترسی به وکیل، ادعای شکنجه، حکم و راه‌های تماس اضطراری. سپس این اطلاعات باید به صورت هماهنگ در اختیار گزارشگران ویژه سازمان ملل، نمایندگان پارلمان‌ها، وزارتخانه‌های خارجه، کانون‌های وکلا، انجمن‌های پزشکی، اتحادیه‌های کارگری و رسانه‌های معتبر قرار گیرد.

فشار دیپلماتیک باید هدفمند باشد: توقف اجرای حکم، دسترسی فوری به وکیل مستقل، ملاقات خانواده، درمان پزشکی، محاکمه علنی و رعایت استانداردهای دادرسی. سفارتخانه‌های کشورهای دارای رابطه با تهران می‌توانند به طرح پرونده‌های مشخص و درخواست دسترسی کنسولی یا بشردوستانه تشویق شوند. هدف، تولید بیانه‌های کلی نیست؛ نجات جان انسان‌های معین است.

۹. زنان، برابری شهروندی و حقوق بشر در متن سیاست خارجی

آزادی ایران بدون آزادی زنان معنایی ندارد. فشار برای پایان دادن به اجبار پوشش، خشونت خیابانی و قضایی علیه زنان، تبعیض در قوانین خانواده، اشتغال و مشارکت سیاسی باید بخشی ثابت از هر گفت‌وگوی دیپلماتیک باشد. همین اصل درباره حقوق شهروندان کرد، بلوچ، عرب، ترک، ترکمن، لر، فارس، اقلیت‌های دینی، بهائیان، مسیحیان، یهودیان، اهل سنت، بی‌دینان و دیگر گروه‌ها صادق است: هیچ ایرانی نباید برای ایرانی بودن نیازمند انکار هویت خود باشد.

قراردادها و همکاری‌های اقتصادی دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی باید با معیارهای روشن حقوق بشری، سازوکار گزارش‌دهی و تحریم‌های هدفمند علیه عاملان سرکوب همراه شوند. در عین حال، سیاست‌گذاری باید از مجازات جمعی مردم، محرومیت دارویی و آسیب غیرضروری به اقشار فقیر پرهیز کند. هدف، بالا بردن هزینه سرکوب برای مسئولان و پایین آوردن هزینه زندگی برای مردم است.

در ایران آزاد، عادی‌سازی روابط اقتصادی و رفع مرحله‌ای تحریم‌ها باید به بازگشت کشور به تجارت جهانی، شفافیت مالی، احترام به تعهدات بین‌المللی و امنیت منطقه‌ای پیوند بخورد. گذار موفق تنها تغییر پرچم و چهره‌ها نیست؛ بازگرداندن اعتماد به قانون، پول ملی، مالکیت، قرارداد، دانشگاه، بیمارستان و آینده جوانان است.

۱۰. سازمان‌های خیریه، صندوق‌های مالی و جدایی ضروری کار

بشردوستانه از فعالیت حزبی

کمک مالی برای درمان مجروحان، حمایت از خانواده‌ها، وکیل، پناهندگی و توان‌بخشی ضروری است؛ اما پول بی‌قاعده می‌تواند یک جنبش را از درون نابود کند. در بریتانیا، خیریه‌ها می‌توانند برای تغییر سیاست یا اجرای حقوق بشر کارزار کنند، مشروط بر اینکه فعالیت سیاسی در خدمت اهداف خیریه باشد؛ اما نمی‌توانند برای حمایت از یک حزب، نامزد یا سیاستمدار تأسیس شوند یا منابع خود را در اختیار او قرار دهند.^[۱۷]

از این رو، ساختار پیشنهادی باید دو بازوی حقوقی و مالی جدا داشته باشد:

۱. بازوی بشردوستانه و خیریه: وظیفه آن کمک به قربانیان، درمان، توان‌بخشی، حمایت حقوقی، آموزش حقوق بشر و پشتیبانی از پناهیجویان است. این نهاد باید مستقل، غیرحزبی و پاسخ‌گو باشد و خدمات را بر اساس نیاز ارائه دهد، نه وفاداری سیاسی.

۲. بازوی مدنی و سیاسی: این نهاد می‌تواند صریحاً از رهبری گذار رضا پهلوی، سکولاردموکراسی، رایزنی سیاسی، کنفرانس‌ها و کمپین رسانه‌ای دفاع کند؛ اما نباید از حساب بانکی، کارکنان یا اعتبار حقوقی خیریه برای فعالیت حزبی استفاده کند.

هر دو بازو باید اساسنامه، هیئت‌مدیره، سیاست تعارض منافع، سازوکار شکایت، حساب بانکی مستقل، گزارش مالی دوره‌ای و حسابرسی داشته باشند. خیریه‌هایی که در خارج از کشور کار می‌کنند موظفاند درباره اهداکنندگان، دریافت‌کنندگان، شرکای محلی و مصرف‌نمایی پول بررسی لازم انجام دهند. انتقال پول به ایران یا منطقه نیز باید با مقررات تحریم‌های مالی و مجوزهای لازم سازگار باشد.^{[۱۸][۱۹]}

صندوق کمک مالی در تجمع‌ها می‌تواند وجود داشته باشد، اما نه به صورت جعبه‌ای بی‌نام و بی‌حساب. مجوز جمع‌آوری عمومی، صندوق پلمب‌شده، شمارش دو نفره، ثبت مبلغ، واریز سریع بانکی، رسید، پرداخت کارتی یا QR، و انتشار گزارش مصرف باید استاندارد باشد. راهنمای کنترل‌های مالی خیریه‌ها نیز استفاده از پرداخت‌های امن‌تر و کاهش نگهداری پول نقد را توصیه می‌کند.^[۲۰]

۱۱. رایزنی فرا حزبی، اندیشکده‌ها و دیپلماسی جامعه ایرانی

جنبش شیر و خورشید باید با همه احزاب اصلی در کشورهای محل فعالیت گفت‌وگو کند: راست، چپ، میانه، لیبرال، محافظه‌کار، سبز و سوسیال‌دموکرات. هدف این تماس‌ها نباید گرفتن عکس یادگاری باشد؛ بلکه باید انتقال بسته‌های سیاستی دقیق درباره حقوق بشر، امنیت منطقه‌ای، برنامه هسته‌ای، موشک‌ها، اقتصاد دوران گذار، پناهیجویان و تضمین عدم خأ قدرت باشد.

اندیشکده‌هایی مانند چتم‌هاوس، مؤسسات دانشگاهی، شوراهای روابط خارجی و کمیته‌های پارلمانی را نمی‌توان با تهدید یا فشار هیجانی به دعوت از یک چهره واداشت. راه مؤثر، ارائه درخواست حرفه‌ای، پیشنهاد میزگرد، معرفی کارشناسان متنوع، ارسال برنامه گذار و پاسخ‌گویی به نگرانی‌های واقعی آنان است. هدف باید این باشد که رضا پهلوی و تیمش به‌عنوان طرفی جدی، آماده و قابل پرسش وارد گفت‌وگو شوند.

هر فعال جنبش باید تا حدی یک دیپلمات باشد: دقیق سخن بگوید، ادعا را از واقعیت جدا کند، به وقت دیگران احترام بگذارد، اسناد کوتاه و قابل استفاده تهیه کند، از دشنام و تهدید بپرهیزد و بتواند با سیاستمداری که همه دیدگاه‌های او را قبول ندارد نیز همکاری موردی داشته باشد. نفوذ پایدار از اعتماد و تخصص می‌آید، نه از صدای بلندتر.

برای ساختن این ظرفیت، اتاق‌های فکر ملی در هر کشور لازم‌اند؛ اما این اتاق‌ها نباید محفل بسته دوستان باشند. پزشک، حقوقدان، اقتصاددان، کارآفرین، متخصص انرژی، کارشناس امنیت، فعال زنان، نماینده اقوام، روزنامه‌نگار و کنشگر داخل ایران باید در کنار هم قرار گیرند و صورت‌جلسه، مسئولیت و خروجی قابل سنجش داشته باشند.

۱۲. راهبرد رسانه‌ای: آینده‌محوری همراه با پاسخ‌گویی تاریخی

درست است که بسیاری از مصاحبه‌ها درباره رضا پهلوی در گذشته متوقف می‌شوند و فرصت بررسی برنامه آینده را از بین می‌برند. با این حال، جلوگیری از طرح هر پرسش درباره دوران پهلوی نه ممکن است و نه به سود اعتبار دموکراتیک او. رسانه مستقل حق دارد درباره تاریخ، ساواک، محدودیت‌های سیاسی، سلطنت و نسبت رهبر گذار با میراث خانوادگی سؤال کند. راهبرد درست، پاسخ کوتاه، روشن و مسئولانه و سپس بازگرداندن بحث به برنامه آینده است.

تیم رسانه‌ای باید پیشاپیش برای پرسش‌های اصلی پاسخ مستند آماده کند: مأموریت گذار دقیقاً چیست؟ دوره آن چقدر است؟ اعضای ساختار موقت چگونه انتخاب می‌شوند؟ چه نهادی بر رهبر گذار نظارت می‌کند؟ تکلیف نیروهای مسلح و سپاه چیست؟ عدالت انتقالی چگونه از انتقام جدا می‌شود؟ حقوق زنان و اقوام چگونه تضمین می‌شود؟ منابع مالی از کجا می‌آیند؟ شکل نهایی حکومت چه زمانی و با چه رأیی تعیین می‌شود؟

مطالبه از رسانه‌ها باید «جدی گرفتن» باشد، نه مصون کردن رهبر از سؤال. جنبشی که به رسانه‌ها حمله کند، خبرنگاران را مرعوب سازد یا منتقدان را مزدور بنامد، پیشاپیش تصویر دموکراسی آینده را مخدوش می‌کند. بهترین دفاع از رضا پهلوی این است که او را در برابر سخت‌ترین پرسش‌ها آماده، آرام، دقیق و وفادار به حق انتخاب مردم نشان دهیم.

۱۳. امریکا، اسرائیل، اروپا و کشورهای عربی خلیج فارس؛ دوستی

بر پایه استقلال

یکی از تفاوت‌های برجسته برنامه اعلامی رضا پهلوی با سیاست جمهوری اسلامی، تأکید بر عادی‌سازی روابط با ایالات متحده، شناسایی اسرائیل و گسترش همکاری منطقه‌ای در قالبی است که او «پیمان‌های کوروش» نامیده است. این مواضع در برنامه رسمی آینده ایران و سخنرانی‌های او مطرح شده‌اند.^{[۴][۵]}

برای بسیاری از ایرانیان، پایان دادن به دشمنی ایدئولوژیک با امریکا و اسرائیل و ایجاد روابط دوستانه با کشورهای عربی خلیج فارس، راهی برای خروج از انزوا، جذب سرمایه، بازسازی فناوری و کاهش تنش منطقه‌ای است. اما این روابط باید بر منافع ملی، احترام متقابل، حاکمیت ایران و حقوق بین‌الملل استوار باشند. جنبش نباید از وابستگی به شرق به وابستگی به غرب منتقل شود.

دوستی واقعی با اسرائیل به معنای صلح، همکاری علمی و اقتصادی و پایان دادن به سیاست نابودی طلبانه جمهوری اسلامی است؛ نه بی‌تفاوتی نسبت به جان غیرنظامیان یا چشم‌پوشی از حقوق بین‌الملل. دوستی با کشورهای عربی نیز باید بر امنیت مشترک خلیج فارس، تجارت، محیط زیست، انرژی و احترام به نام و هویت تاریخی ایران بنا شود. دیپلماسی ملی باید بتواند هم‌زمان دوست غرب، شریک منطقه و مستقل باشد.

۱۴. «دولت در تبعید» یا «هیئت معتبر گذار»؟

مطالبه شناسایی یک دولت در تبعید می‌تواند در برخی کشورها و شرایط یک هدف سیاسی باشد، اما اصطلاحات دیپلماتیک در همه کشورها یکسان نیست. بریتانیا در سال ۱۹۸۰ اعلام کرد که دیگر به صورت رسمی «دولت‌ها» را به رسمیت نمی‌شناسد و شناسایی خود را متوجه «کشورها» می‌کند. ازاین‌رو، در فضای بریتانیا مطالبه واقع‌بینانه‌تر می‌تواند تعامل رسمی با هیئت گذار، دعوت به جلسات وزارت خارجه و پارلمان، مشورت درباره سناریوهای انتقال قدرت، ارائه تریبون و پذیرش آن هیئت به‌عنوان یکی از طرف‌های اصلی و مشروع گفت‌وگوی آینده ایران باشد.^[۳]

نام «دولت در تبعید» به تنهایی مشروعیت نمی‌سازد. هر ساختار انتقالی که خواهان شناسایی بین‌المللی است باید معیارهای زیر را برآورده کند:

- منشور علنی و کوتاه با مأموریت محدود، مدت مشخص و ممنوعیت تبدیل ساختار موقت به حکومت دائمی.
- نمایندگی معنادار زنان، اقوام، نیروهای داخل ایران، کارگران، متخصصان، جمهوری‌خواهان و مشروطه‌خواهان؛ نه صرفاً چهره‌های نزدیک به یک حلقه.
- انتشار منابع مالی، تضاد منافع، معیار انتصاب و صورت‌جلسات تصمیم‌های کلیدی.
- تعهد به انتخابات آزاد، مجلس مؤسسان، همه‌پرسی درباره شکل نظام و پذیرش بی‌قید و شرط نتیجه رأی مردم.
- کنترل غیرنظامی نیروهای مسلح، منع انتقام، حفاظت از کارمندان عادی دولت و برنامه روشن برای عدالت انتقالی.
- برنامه اجرایی برای حفظ آب، برق، بیمارستان، بانک، زنجیره غذا، مرزها و امنیت شهروندان در ماه‌های نخست گذار.

در نهایت، شناسایی سیاسی باید محصول ظرفیت، انسجام، پاسخ‌گویی و اعتماد باشد. جهان زمانی یک آلترناتیو را جدی می‌گیرد که بداند آن آلترناتیو نه فقط توان مخالفت، بلکه توان اداره مسئولانه و واگذاری دموکراتیک قدرت را دارد.

۱۵. منش رفتاری جنبش و معنای پهلوی‌گرایی آینده‌گرا

فعال جنبش شیر و خورشید نباید مأمور کنترل عقیده دیگر ایرانیان باشد. او باید مدافع حق مخالف برای سخن گفتن، تجمع کردن و شرکت در انتخابات باشد. وطن‌دوستی با تحقیر قوم، مذهب، مهاجر، چپ، جمهوری خواه یا منتقد سازگار نیست. پرچم ملی باید پناه مشترک باشد، نه مجوز طرد.

یک منشور رفتاری جدی باید خشونت، تهدید، آزار آنلاین، افشای اطلاعات شخصی، افترا، نفرت‌پراکنی، تمجید از شکنجه و دعوت به انتقام را ممنوع کند. رهبران نیز باید در برابر تخلف هواداران سکوت نکنند. اعتبار دموکراسی آینده در رفتار امروز ساخته می‌شود؛ نه پس از پیروزی.

پهلوی‌گرایی آینده‌گرا، اگر بخواهد معنا و مشروعیت تاریخی پیدا کند، باید از شخص‌محوری به نهادگرایی گذر کند. افتخار به دستاوردهای دوره پهلوی می‌تواند بخشی از حافظه سیاسی باشد، اما برنامه آینده باید بر انتخابات، گردش قدرت، آزادی نقد، استقلال قضا، اقتصاد رقابتی همراه با حمایت اجتماعی، برابری زن و مرد و حقوق همه ایرانیان استوار شود.

شاهزاده رضا پهلوی نیز برای موفقیت به عقل جمعی نیاز دارد. پیرامون او باید نه حلقه ستایشگران، بلکه شبکه‌ای از منتقدان وفادار به اصول، مدیران کارآمد و متخصصان مستقل شکل گیرد. رهبر قدرتمند کسی نیست که فقط تأیید بشنود؛ کسی است که بتواند مخالفت را به تصمیم بهتر تبدیل کند.

۱۶. نقشه راه دوازده‌ماهه برای تبدیل جنبش به قدرت مدنی پایدار

برای عبور از شعار به عمل، فعالیت‌ها باید زمان‌بندی، مسئول و شاخص ارزیابی داشته باشند. نقشه زیر یک الگوی اولیه است:

خروجی قابل سنجش	اقدام‌های کلیدی	بازه زمانی
اساسنامه‌های علنی، حساب بانکی مستقل، هیئت نظارت، سامانه محرمانه پرونده‌ها، گزارش نخست شفافیت و فهرست سخنگویان آموزش‌دیده.	ثبت و تفکیک حقوقی بازوی خیریه و بازوی سیاسی؛ تصویب منشور اخلاقی و مالی؛ تشکیل شبکه درمان، وکالت و حفاظت داده؛ آماده‌سازی بسته رسانه‌ای و سیاستی.	صفر تا ۹۰ روز

خروجی قابل سنجش	اقدام‌های کلیدی	بازه زمانی
گزارش جلسات، پرونده‌های اضطراری پیگیری‌شده، تفاهم‌نامه با وکلا و پزشکان، نشست‌های عمومی با حضور دیدگاه‌های متفاوت.	رایزنی با همه احزاب اصلی؛ راه‌اندازی کمپین «نه به اعدام»؛ نشست با اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها؛ ایجاد مسیر کمک به مجروحان، معلولان و پناهجویان.	ماه سوم تا ششم
گزارش حسابرسی، شاخص اثرگذاری انسانی، نسخه عمومی برنامه گذار، ساختار مشورتی متکثر و برنامه سال دوم.	برگزاری کنفرانس فراگیر گذار؛ انتشار کتابچه سیاستی برای شش ماه نخست؛ ارزیابی مستقل عملکرد؛ تشکیل کارگروه هیئت گذار و گفت‌وگوی منظم با نیروهای داخل ایران.	ماه ششم تا دوازدهم

۱۷. نتیجه‌گیری: حمایت، پیمان با اصول است

ایران برای رهایی از جمهوری اسلامی بیش از خشم به سازمان، بیش از شعار به نهاد و بیش از چهره به قرارداد دموکراتیک نیاز دارد. رضا پهلوی می‌تواند در این مرحله یک سرمایه سیاسی مهم و یک محور هماهنگ‌کننده باشد؛ زیرا از شناخته‌شدگی، شبکه بین‌المللی، برنامه اعلامی سکولار و امکان گردآوردن بخشی از نیروهای گوناگون برخوردار است. اما این ظرفیت فقط زمانی به رهبری ملی تبدیل می‌شود که با پاسخ‌گویی، تکرار، شفافیت مالی، تحمل نقد و واگذاری سرنوشت نهایی به رأی مردم همراه باشد.

آزمون دفاع از رضا پهلوی، آزمون ستایش گذشته یا اطاعت از یک خانواده نیست. آزمون این است که آیا می‌توانیم یخ بی‌اعتمادی را آب کنیم، اختلاف‌ها را به رقابت قانونی تبدیل کنیم، از زندانی و مجروح دفاع کنیم، برای زن و مرد و همه اقوام حقوق برابر بخواهیم، پول را شفاف مدیریت کنیم و با جهان متمدن به زبان برنامه، قانون و منافع مشترک سخن بگوییم.

پزشک با نام بیماری را درمان نمی‌کند؛ با تشخیص درست، تیم، ابزار، مراقبت و پیگیری درمان می‌کند. سیاست گذار نیز چنین است. نام رضا پهلوی می‌تواند نقطه تمرکز باشد، اما درمان ایران در نهادهای آزاد، قانون، انتخابات، آشتی ملی و مسئولیت‌پذیری جمعی است. بهترین یاری به شاهزاده این است که پیرامون او دستگاهی از خرد جمعی بسازیم، نه دیواری از چاپلوسی.

جنبش شیر و خورشید زمانی به آلترناتیوی جدی تبدیل می‌شود که جهان آن را نه فقط به سبب جمعیت تظاهرات، بلکه به سبب رفتار انسانی، حمایت از قربانیان، ظرفیت کارشناسی، انضباط مالی و منش دموکراتیکش بشناسد. هر ایرانی که به تمامیت ارضی، جدایی دین و دولت، برابری شهروندان و حق انتخاب آزاد باور دارد باید بتواند با حفظ هویت سیاسی خود در این میدان مشارکت کند. این اتحاد، اگر بر اصول و نهاد استوار شود، نه بازگشت به گذشته، بلکه گشودن راه آینده‌ای آزاد و درخشان برای ایران خواهد بود.

منابع و مآخذ

آخرین دسترسی به همه منابع اینترنتی: ۱۱ اوت ۲۰۲۶. منابع رسمی رضا پهلوی برای ثبت مواضع اعلامی او و منابع مستقل برای ارزیابی حمایت، نقدها و وضعیت حقوق بشر به کار رفته‌اند.

۱. **Encyclopaedia Iranica, «Constitutional Revolution i. Intellectual Background»**. مروری دانشگاهی بر زمینه فکری انقلاب مشروطه و هدف تأسیس نظام مشروطه. <https://www.iranicaonline.org/articles/constitutional-revolution-i>
۲. **Encyclopaedia Iranica, «Constitutional Revolution iii. The Constitution»**. شرح قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم ۱۹۰۷ و ساختار حقوقی مشروطه. <https://www.iranicaonline.org/articles/constitutional-revolution-iii>
۳. **وبسایت رسمی رضا پهلوی، «درباره رضا پهلوی / اصول و دیدگاه‌ها»**. بیان رسمی اصول بنیادین، آزادی احزاب، حقوق زنان، انتخابات آزاد و جدایی دین از حکومت. <https://rezapahlavi.org/fa/about>
۴. **Council on Foreign Relations, «A Conversation With Reza Pahlavi»**. ۳ اکتبر ۲۰۲۵؛ گفت‌وگو درباره گذار، تمامیت ارضی، آزادی‌های فردی و جدایی دین و دولت. <https://www.cfr.org/event/conversation-reza-pahlavi>
۵. **وبسایت رسمی رضا پهلوی، «A Free Iran's Promise to the World»**. چشم‌انداز اعلامی درباره عادی‌سازی روابط با آمریکا، شناسایی اسرائیل و همکاری منطقه‌ای. <https://rezapahlavi.org/en/iran-future-vision>
۶. **Iran Prosperity Project, «A Blueprint for Rebuilding Iran»**. طرح اعلامی برای حکمرانی، امنیت، اقتصاد و جامعه در دوران بازسازی ایران. <https://iranprosperityproject.com>
۷. **GAMAAN, «Analytical Report on Iranians' Political Preferences in 2024»**. ۲۰ اوت ۲۰۲۵؛ تحلیل ترجیحات سیاسی و توزیع حمایت از چهره‌ها و نظام‌های سیاسی. <https://gamaan.org/2025/08/20/analytical-report-on-iranians-political-preferences-in-2024>
۸. **GAMAAN, «Iranians' Attitudes Toward the 2026 Protests and War»**. ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۶؛ ارزیابی نگرش‌ها نسبت به اعتراضات، جنگ و رضا پهلوی. <https://gamaan.org/2026/07/27/iranians-attitudes-toward-the-2026-protests-and-war>
۹. **Reuters, «Who makes up Iran's fragmented opposition?»**. ۱۸ ژوئن ۲۰۲۵؛ گزارش مستقل درباره پراکندگی اپوزیسیون و دشواری سنجش حمایت داخلی. <https://www.reuters.com/business/media-telecom/who-makes-up-irans-fragmented-opposition-2025-06-18>
۱۰. **Reuters, «Regime change? Inside Reza Pahlavi's faltering bid to lead Iran»**. ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۶؛ گزارش انتقادی درباره سازمان‌دهی، حمایت، منابع و چالش‌های رهبری اپوزیسیون. <https://www.reuters.com/investigations/regime-change-inside-reza-pahlavis-faltering-bid-lead-iran-2026-07-27>
۱۱. **UK Home Office, «Country bulletin Iran: protests of December 2025 to January 2026»**. فوریه ۲۰۲۶؛ جمع‌بندی منابع درباره گسترش اعتراضات، قطع ارتباطات، تلفات و بازداشت‌ها. <https://www.gov.uk/government/publications/iran-country-policy-and-information-notes/country-bulletin-iran-protests-of-december-2025-to-january-2026-accessible>

۱۲. OHCHR, «Experts urge Iran to break cycle of violence, create space for dialogue». ۱۳

ژانویه ۲۰۲۶؛ محکومیت نقض حقوق بشر و درخواست پایان خشونت علیه معترضان. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2026/01/experts-urge-iran-break-cycle-violence-create-space-dialogue>

۱۳. OHCHR, «High Commissioner Türk calls on Iranian authorities to end their brutal repression». ۲۳

ژانویه ۲۰۲۶؛ درخواست پایان سرکوب و پاسخ‌گویی درباره بازداشت‌ها و خشونت. <https://www.ohchr.org/en/statements-and-speeches/2026/01/high-commissioner-turk-calls-iranian-authorities-end-their-brutal-repression>

۱۴. OHCHR, «UN experts urge Iran to quash death sentences of 12 protesters». ۲۷

درخواست لغو احکام اعدام مرتبط با اعتراضات ژانویه. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2026/07/un-experts-urge-iran-quash-death-sentences-12-protesters-single-hearing-halt>

۱۵. OHCHR, «International Covenant on Civil and Political Rights».

سیاسی، شامل حق حیات، دادرسی عادلانه، بیان، اجتماع و مشارکت. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>

۱۶. OHCHR Treaty Body Database, «Ratification Status for Iran».

مدنی و سیاسی؛ تصویب در ۲۴ ژوئن ۱۹۷۵. https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/TreatyBodyExternal/Treaty.aspx?CountryID=81&Lang=EN

۱۷. Charity Commission for England and Wales, «Campaigning and political activity guidance for charities (CC9)».

راهنمای رسمی درباره حدود فعالیت سیاسی خیریه‌ها و ممنوعیت حمایت از حزب یا نامزد. <https://www.gov.uk/government/publications/speaking-out-guidance-on-campaigning-and-political-activity-by-charities-cc9/speaking-out-guidance-on-campaigning-and-political-activity-by-charities-cc9>

۱۸. Charity Commission, «Due diligence, monitoring and verifying the end use of charitable funds».

الزامات بررسی اهداکنندگان، دریافت‌کنندگان، شرکا و مصرف نهایی کمک‌های خیریه. <https://www.gov.uk/government/publications/charities-due-diligence-monitoring-and-verifying-the-end-use-of-charitable-funds>

۱۹. Office of Financial Sanctions Implementation, «Financial sanctions guidance for charities and NGOs».

ژانویه ۲۰۲۶؛ راهنمای رسمی رعایت تحریم‌های مالی و مجوزهای بشردوستانه. <https://www.gov.uk/government/publications/financial-sanctions-guidance-for-charities/financial-sanctions-guidance-for-charities-and-non-governmental-organisations-ngos>

۲۰. Charity Commission, «Internal financial controls for charities (CC8)».

جمع‌آوری عمومی، حفاظت از دارایی و پاسخ‌گویی مالی. <https://www.gov.uk/government/publications/internal-financial-controls-for-charities-cc8/internal-financial-controls-for-charities-cc8>

۲۱. UK Parliament, Hansard, «Recognition of Governments: Policy and Practice».

۱۹۸۰؛ اعلام سیاست بریتانیا مبنی بر شناسایی کشورها و کنار گذاشتن شناسایی رسمی دولت‌ها. <https://api.parliament.uk/historic-hansard/written-answers/1980/apr/28/recognition-of-governments-policy-and-practice>